

با بنیان وضع موجود!

فیاض زاهد

یکی از اصطلاحاتی که در دولت جناب ریسی از رونق بالایی برخوردار است، تعبیر «بنیان وضع موجود» است. گویا این دولت در نتیجه یک انقلاب به قدرت رسیده و متولیانش در وضعیت ایجاد شده هیچ نقشی نداشته‌اند. با این ضرباهنگ بسان تکه برفی که از ارتفاع قله به پایین هرم قدرت اجرایی غلتانده می‌شود، بهمنی شکل می‌دهد و تر و خشک را با هم می‌سوزاند. این دوستان متوجه این نکته نیستند که در نظام با اقتدار ولایی، همه امور کلیدی در نتیجه تعیین راهبردهای کلان نظام سیاسی رخ می‌دهد. نه در روابط بین‌الملل، نه در داستان هسته‌ای، نه اتخاذ استراتژی‌های کلان اقتصادی، نه در جنگ و صلح، نه در امور فرهنگی و دگرین‌های اجتماعی، در امور دینی و فرهنگی و هنری، در تقابلهای ورزشی و ده‌ها موضوع مهم دیگر، این نهاد دولت نیست که تصمیم‌گیر است. به سرنوشت و نوع تعامل روسای جمهور در ایران که بنگریم درمی‌یابیم که به غلط یا درست، ساختار مناسبات و روابط معیوب، برهم زننده اعتماد و ثبات در روابط عمودی در هرم قدرت در ایران است. این اشکال مهم حتماً و در نقطه‌ای باید اصلاح شود. - فعلاً محل سخنم نیست- پس وقتی از بنیان وضع موجود حرف می‌زنیم باید متوجه این نکته باشیم که وقتی دولتی تنها در بهترین حالت ممکن بر 20 تا 25 درصد ساحت قدرت نفوذ دارد، از کدام بنیان سخن می‌گوییم؟ در ثانی؛ مگر دولت‌ها در انتخاب و انتصابات مدیران خود مبسوط‌الید بوده و هستند؟ در همین دولت آقای ریسی، مگر ایشان و وزرای‌شان، بدون اخذ استعلام‌های امنیتی و اخلاقی و تخصصی و اداری می‌توانند به دلخواه هر مدیری را منصوب کنند؟ این امر در مقایسه با دولت فعلی شکلی معنادارتر هم پیدا می‌کند. مثلاً در دولت خاتمی و روحانی، حق انتخاب‌ها محدودتر بود. اما دولت ریسی و احمدی‌نژاد دست بازتری هم داشتند، چون هم دولت احمدی‌نژاد و هم دولت ریسی موید به حمایت همه ارکان نظام است. قدرت و اراده تعامل و همکاری بیشتر هم هست.

اما دولت‌های خاتمی و روحانی بالطبع از این دست حمایت‌ها برخوردار نبودند. لذا بیشتر مدیران در این دولت‌ها یا فاقد شناسنامه سیاسی بودند، یا تعدادی باد به پرچم و صرفاً مشتاقان خدمت به میز! بوده

یا اساساً از نظر سیاسی موافق و همراه دولت‌های فوق نبوده‌اند. بخش مهمی از آن دولتمردان که یا مذبذب و چندچهره بوده‌اند، یا اصیل بوده و اصولگرا به دولت شما انتقال یافته‌اند. پس استفاده از کلیدواژه بانیان وضع موجود تنها یک فرافکنی است، چون همه آنها در وضعیتی که از نظر شما نابسامان است، دست داشته‌اند.

از سوی دیگر هم دولت احمدی‌نژاد که موید به خواب‌های عارفانه و هاله‌های مقدس! و معجزه هزاره سوم بود و در نماز جمعه و جماعت و منابر مذهبی و حکومتی ایده‌آل تصور می‌شد، اولین ضربه به ساحت نظام را وارد کرد. با طرح همین شعارهای عوام‌گرایانه اینکه می‌خواهم با مافیا برخورد کنم، در جیب اسامی مفسدین را یدک می‌کشم، مدیریت جهانی را سامان می‌دهم ... نتیجه آن گنده ... شد غارت میلیاردها دلار درآمد نفتی، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، بحران اقتصادی گسترده، قدرناشناسی وی از مراجع و نهادهای حاکمیتی و البته تبدیل به دولت انحرافی. بدترین جفای وی به رهبری نظام بود. آنجا که ایشان را وادار کرد برای نجات کشور دست به انتخابی سخت بزند که خواننده را منظور حاصل است.

احمدی‌نژاد به بهانه مبارزه با گذشته و تنبیه بانیان وضع موجود، طیف وسیعی از مدیران برجسته کشور را خانه‌نشین کرد و با اتخاذ سیاست‌های غلط، میلیاردها دلار به کشور آسیب زد. او بدون آنکه انقلابی سیاسی را سبب شود، همچون زلزله، کشور را از دانش قابل توجه فرزندانش محروم کرد. مدیرانی جوان و نارس و تازه به دوران رسیده را بر امور گمارد که یا توان اداره آن را نداشتند یا در باد غرور ناشی از فقد انطباق منزلت و ظرفیت خود را تباه کردند. او می‌خواست چرخ را از نو اختراع کند. همو که معتقد بود در دالان خانه‌ها انرژی هسته‌ای می‌سازند. به کابینه این دولت نیز بنگرید از این دست وزرا کم ندارید.

جناب ریسی!

حال این شما یید و راهی نو. هر کسی که به شما توصیه کرده که از تعبیر بانیان وضع موجود استفاده کنید، اگر منظورش اثرگذاری بر افکار عمومی و فرافکنی به وقت شائد بوده، تاکتیک بدی را توصیه نکرده، اما اگر منظورش استراتژی اصلی ذهنی و عینی شما و دولت‌تان بوده، بلاشک فریب‌تان داده است. چرا؟

به دو دلیل ساده. آنچه امروز در کشور شاهدیم، حاصل کار من و ما یا این دولت و آن دولت نیست. وضعیت امروز اگر خوب یا بد است، حاصل کار همه ارکان نظام و انقلاب در تمامی سطوح است. همه قوای سه‌گانه و نهادهای انقلابی و نیروهای پیدا و پنهان مسوولیت آن را برعهده دارند. شما خود از ابتدای انقلاب در این کشور سمت

داشته‌اید. اگر وضع امروز بد و فاجعه‌بار است، سهم شما در این میان چه اندازه بوده است؟

اگر وضع امروز اینقدر فاجعه‌بار است، چه تضمینی می‌دهید آینده ایران در فردا بدتر از امروز نباشد؟ آنچه امروز از آن سخن می‌گوییم، میراثی است که در ابتدا توسط امام و سپس مقام رهبری هدایت و راهبری و ریل‌گذاری شده است؟

این بانیان وضع موجود شامل حال آنها نیز می‌شود؟ می‌بینید! این رشته سر دراز دارد. اکثریت ما می‌دانیم که میزان، شکل، حیطة، حوزه و حد اختیارات ارکان مختلف کشور در چه سطحی است. این نحوه نگره به حوزه اداره کشور و میراثی که به جای مانده بسیار مایوس‌کننده و خطرناک است. شما و همفکران‌تان خواسته و ناخواسته موید سخنان ضد انقلاب و براندازان هستید که می‌گویند وضعیت ایران امروز حاصل مدیریت انقلابی است که از 57 بر این کشور سلطه دارند. در نگرش آنها هیچ تفاوتی هم بین اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست. آیا شما هم با این گزاره موافقید؟ مطمئن هستم نه. نه تنها موافق نیستید، بلکه بر این باورید که این سیستم سیاسی بهترین نوع آن در جهان است، چون حداقل شما رئیس‌جمهور آن هستید.

از سوی دیگر این را بدانید که همه ملل متمدن و کشورهای با دستاوردهای شگرف، با گذشته خود مبارزه نمی‌کنند، آن را به گند نمی‌کشند و تخریبش نمی‌کنند. اگر راهی را هم بد آمده‌اند، اصلاح می‌کنند. این چه روشی است که اصرار کنیم همه کسانی که قبل ما بر سرکار بوده‌اند، مفسد و معطل و ناتوان و ضد توسعه و غیرانقلابی بوده‌اند و ما را تاریخ از وسط آسمان به زمین تنزل داده است!

می‌دانم اهل تواضع و خیرخواهید. لذا متذکر شدم که در این دام نیفتید. آنها خیرخواه شما نیستند. شما در شب اول قبر تنه‌ایید اگر به آخرت معتقدید و در تاریخ به تنه‌ایی و بی‌رحمانه قضاوت خواهید شد اگر به قدرت تاریخ باور دارید. پس میان توصیه‌ها خردمندانه‌ترین‌ها را برگزینید. به مشاوران عاقل و خردمند و دنیادیده تکیه کنید و از فرو افتادن به بازی دغلكاران متظاهر پرهیز کنید. تاریخ هر ملتی از گذشته آغاز و به آینده پیوند می‌خورد. اگر خوب است همه افتخار مشارکت داشته‌اند و اگر بد است همه مسوول هستند. تمایزی در کار نیست. غیر از این خودفریبی است.

جناب رئیس‌جمهور

در تاریخ ما بناهای رفیع و برج‌های سرفراز بر تداوم کار و تلاش معماران پیش از خود شکل یافتند و همه خانه‌های کلنگی عمارت‌هایی هستند که وارثانش خواستند چرخ را از نو بنا کنند.

□□□□□□ 1401 □□□□ 7 □□□□□□ □□□□□□ :□□□μ